

یادداشت

فتح بهارستان مقدمه تسخیر پاستور



تبسم نمازی

روزنامه‌نگار

انتخابات اسفندماه، میدان وزن کشی جبهه اصولگرایی خواهد بود. جریان‌های واقع در این جبهه اگر چه از ائتلاف و اتحاد سخن می‌گویند، اما در نبود رقیب دلیلی برای چنین ائتلافی وجود ندارد. اینکه چرا این ائتلاف نمی‌تواند شکل بگیرد علل روشنی دارد. ۳جریان عمده، درجبهه‌اصولگرایی حاضر است. جریان موسوم به پایداری این روزها دست بالاتر را در این جریان دارد. آنان امیدوارند که مجلسی کاملاً همسو با دولت را تشکیل داده تا ریاست جمهوری چهاردهم را هم تضمین کنند. این جریان که نیروهای جوان اصولگرایی را زیر چتر خود گرد آورده، گفتمان سوپر انقلابی را پی می‌گیرد. جوانانی که کاستی‌های وضع موجود را در تسلط اصلاح‌طلبان و یا به تعبیر آنان غریبگرایان و مماشات نظام با آنان می‌یابند. این گروه برخلاف دو گروه دیگر از بنده اجتماعی وسیع‌تری در بین هواداران اصولگرایی برخوردار است و توانسته صدای تمام ناراضیان از عملکرد نسل‌های گذشته باشد که گفتمان نظام سیاسی را باور دارند اما سیاستگذاران گذشته‌اش را نه. با این بدنه اجتماعی، طیف پایداری و یا خلف آن «شریان» نیازی به ائتلاف با دو جریان دیگر نداشته و دلیلی نمی‌بیند که بخواهد با دادن فهرست مشترک، از سهم خود به نفع دیگری که بدنه متزلزلی دارند بگذرد. جریان دوم یا جریان اصلی اصولگرایی همان بخش سنتی هستند که امروز به دلیل آنکه نسل اول و دوم این جریان را تشکیل می‌دهند نوعی نقش پدر خواندگی را ایفا کرده‌اند. این گروه به دلیل سابقه طولانی و داشتن کارنامه‌ای ناموفق از کمترین اقبال برخوردارند و به همین دلیل بیش از دیگران مایل به ائتلافند، اما مواضع این بخش به علت تضاد نمی‌تواند با جریان پایداری به توافق برسد. اینان ممکن است که با جریان معتدل اصلاح‌طلبی به توافقاتی دست یابند، اما با تندروها چنین توانی را ندارند. از سویی برخی از اعضای این جریان برای خود به دلیل سابقه مبارزاتی و تجربه سیاسی، حتی بیش از دیگران قائل است، حقی که از سوی دیگران به رسمیت شناخته نمی‌شود. جریان سوم یا نواصولگرایان حول کلیات وضعیتی به غایت متفاوت دارد. این جریان که پایی در میان پایداری‌ها دارد، اما چشم‌اندیش به سنتی‌هاست. قالیباف بیش از انتخابات مجلس، دیده به دنبال پاستور دوخته‌است. هرچند نشانه مسلمی از اینکه آمدن او به جای رئیسی می‌توانست وضع را بهتر کند وجود ندارد اما اینکه دولت توانمندی کافی را نداشته امری است که قالیباف می‌خواهد آن را به رخ بکشد و برای این نیاز است اثبات کند که از اقبال کافی هم نزد افکار عمومی برخوردار است و در صورت پیروزی فهرست او، می‌تواند به ساختمان پاستور نزدیکتر شود. اما درست به همین دلیل، پایداری‌ها هم تمام تلاش خود را خواهند کرد تا جلوی نیم قالیباف بگیرند. طرفداران قالیباف پیش‌تر هم از سوی طیف سنتی رانده شده و شعارهای ۹۶ درصدی‌هایش با وجود ماجرای «سیسمونی گیت» و «مالک نجومی» خریدار زیادی ندارد. او ممکن است بتواند با حفظ سر لیستی خود با توافق بر انتظارات حداقلی به توافقاتی با طیف سنتی دست یابد، اما آنچه مشخص است آن است که هر دو طیف نهایتاً به فهرست‌هایی جداگانه اما با افرادی مشترک در هر دو فهرست خواهند رسید. آنچه مشخص است این است که انتخابات اسفند ماه تأثیر بسزایی را در انتخابات ریاست جمهوری آینده دارد و از همین رو هر سه طیف استراتژی خود را بر همان اساس خواهند چید، چراکه در صورت تداوم وضع موجود در کشور، احتمال تک دوره‌ای شدن ریاست جمهوری رئیسی وجود دارد. پس طبیعتاً نیروهای پایداری لازم می‌آید تا با پرتنگ‌تر کردن مسائل ارزشی و کم‌رنگ‌تر کردن مسائل اقتصادی، وفاداری نیروهای هوادار دولت را تقویت کنند. اما طیف نزدیک به قالیباف دقیقاً بر عکس با تکیه بر مسائل اقتصادی کشور می‌تواند موفق شود، اما جریان سنتی حلقه اطراف دولت است که نگرانش کرده است. به این ترتیب با نبود قبضی قدر که ائتلافی استراتژیک را ضروری کند و برای اولین بار در طول تاریخ جمهوری اسلامی با نگاه به دور بعدی انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۴، ائتلاف در جریان اصولگرایی با شرایط فعلی بعید است.

خبر

منصور حقیقت پور:

تحرك لازم برای یک انتخابات پر شور

را شاهد نیستیم

یک فعال سیاسی اصولگرا در خصوص انتخابات پیش‌رو اظهار داشت: مقام معظم رهبری چندماه پیش فرمودند که انتخابات ۱۴۰۲ باید پر شور، امن، سالم و رقابتی برگزار شود. از این مطلب چندماه می‌گذرد اما تحرك لازم برای تحقق یک انتخابات پر شور را شاهد نیستیم. واقعیت این است که آتش انتخابات گرم نیست. جمهوری اسلامی که نماد مردم‌سالاری دینی در منطقه است و به زیباترین شکل دموکراسی مبتنی بر تفکرات دینی‌ر ارائه داده‌است اکنون در مجاورت خود ترکیه‌ای را می‌بیند که انتخاباتی ۸۰درصدی برگزار می‌کند، اما در ایران در سال منتهی به انتخابات شوری برای مشارکت در انتخابات دیده نمی‌شود و باز هم می‌گویم که این شرایط نگران‌کننده است. منصور حقیقت پور گفت: دلایل متعدد هم برای این وضعیت وجود دارد. مردم احساس می‌کنند صحبت‌ها و درددل‌هایشان شنیده نمی‌شود و احساس می‌کنند گوش شنوایی وجود ندارد. آنها مشکلات متعدد دارند، امع اشتغال، ازدواج، بیمه، مسکن و... که همه اینها باعث ناامیدی‌شان شده است. مجلس و دولت هم کارنامه قابل دفاعی در رفع مشکلات عمومی ندارند. در چنین شرایطی چه‌طور می‌توانیم انتظار داشته باشیم که مردم با دیگر ما را به عنوان مسئول بپذیرند؟حقیقت پور تصریح کرد:اگر این جریان خالص‌سازی متوقف نشود، مشکل می‌شود و اگر این جریان خالص‌سازی متوقف نشود، تنور انتخابات گرم نمی‌شود.

علی صوفی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

اصلاح طلبی به شیوه گذشته امکان‌پذیر نیست



خواسته‌های مردم برای مدیریت کشور تغییر کرده است

اصلاح‌طلبان منتظر پالس مثبت حاکمیت در انتخابات هستند

زمزه‌هایی درباره تغییر وضعیت ر دصلاحیت‌ها شنیده می‌شود

اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی خود را از دست داده‌اند

یکشنبه
۲۵ • ۰۴ • ۱۴۰۲
۲۷ ذی‌الحجه ۱۴۴۴ / ۱۶ جولای ۲۰۲۳

سال پنجم

شماره ۱۵۹۹

armanmeli.ir



آرمان ملی – احسان انصاری: گمانه‌زنی‌ها درباره نحوه و رویکرد حضور اصلاح‌طلبان در انتخابات آینده مجلس افزایش پیدا کرده‌است. این‌در حالی است که زم‌مه‌هایی درباره تغییر رویه شورای نگهبان درباره رصلاحیت‌ها به گوش می‌رسد. با این وجودفاصله بین جریان اصلاحات و بدنه اجتماعی به اندازه‌ی زیاد است که بسیاری از معادلات انتخاباتی را تحت تأثیر قرار داده‌است. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی این موضوع با علی صوفی، وزیر تعاون دولت اصلاحات گفت‌وگو کرده‌است. صوفی معتقد است: درباره روش و مشی آینده اصلاح‌طلبان بیانیه آقای خامنه‌ی در ۱۵ بند وجود دارد که در این بیانیه هشدارهای لازم را داده‌اند. ایشان در این بیانیه به صراحت عنوان کردند که ادامه اصلاح‌طلبی به روش گذشته دیگر امکان‌پذیر نیست. همچنین عنوان کرده‌اند دیگر اجازه نخواهند داد اصلاح‌طلبان در قدرت حضور داشته باشند. این اظهارات به خوبی وضعیت آینده جریان اصلاحات و رویکردی که در پیش خواهد گرفت را نشان می‌دهد. به همین دلیل باید انتظارات خود را از جریان اصلاحات و مردم با واقعیت منطبق کنیم، و در این راستا حرکت کنیم.» در ادامه حاصل این گفت‌وگورامی خوانید.

وسیع‌تر شدن مطالبات مردم نسبت به انتخابات چه شرایطی را پیش روی کشور قرار می‌دهد؟
در شرایط کنونی نمی‌توان مطالبات مردم را مانند قبل از انتخابات ۹۸ یا ۱۴۰۰ دانست، بلکه این مطالبات سطح وسیع‌تری به خود گرفته‌است.

خواسته‌های مردم نسبت به مدیریت کشور تغییر کرده و تنها مختص به انتخابات نیست، اما آمار و ارقام و اتفاقاتی که در پاییز سال گذشته رخ داد نشان می‌دهد که درصد بالایی از جامعه نسبت به مدیریت اقتصادی کشور نارضی هستند. نتیجه این وضعیت این است که یک رکن اصلی انتخابات که مردم هستند در واقع بخشی از آنها نارضی هستند. رکن دیگر برگزاری انتخابات حاکمیت و نهادهای نظارتی هستند که تاکنون هیچ تغییر رویه‌ای در آنها مشاهده نشده‌است. این در حالی است که انتقاداتی نسبت به رویکرد نهادهای نظارتی در انتخابات گذشته وجود داشته‌است. کار به جایی رسید که اصولگرایان نیز در انتخابات ۱۴۰۰ نسبت به رویکرد نهادهای نظارتی و حذف چهره‌های برجسته جریان اصولگرایمی مانند علی لاریجانی انتقاد کردند.

با این وجود تاکنون تغییر رویکردی به وجود نیامده که مردم را نسبت به حضور در انتخابات دلگرم‌تر کند. تنها اظهارات مقام معظم رهبری درباره انتخابات وجود داشته که خواستار برگزاری انتخابات پر شور و با مشارکت بالا هستند. این در حالی است که برخی اظهاراتی انجام داده‌اند که نشان دهنده تغییر رویه حاکمیت نسبت به انتخابات نبود. مثلاً در جایی عنوان شده یکدستی قوا که در شرایط کنونی وجود دارد در آینده نیز وجود خواهد داشت. اظهاراتی که سبب پایین آمدن انگیزه مردم و جریان‌های سیاسی برای حضور در انتخابات می‌شود.

اظهارات رئیسی و حامیان دولت وی نشان می‌دهد این جریان سیاسی به دنبال این هستند که این حاکمیت یکدست همچنان ادامه پیدا کند. رکن دیگری که در انتخابات تأثیرگذار است انتخاب شوندگان است. این در حالی است که برخی از انتخاب شوندگان نیز با مشاهده اینکه تغییراتی در روند مدیریت کشور به وجود نیامده تمایل چندانی به حضور در انتخابات ندارند. البته زمزه‌هایی مبنی بر این وجود دارد که دیگر قرار نیست گزینه‌های اصلاح طلب مانند گذشته به صورت گسترده رصلاحیت شوند.

این زمزمه‌ها به چه میزان جدی است و چه تأثیری در رویکرد اصلاح‌طلبان برای حضور در انتخابات خواهد داشت؟

این زمزمه‌ها در حد گمانه‌زنی است و خود را به صورت عینی در تغییر رویه‌های نهادهای نظارتی فعال نشان نداده است. فعال نشانه و دلیلی وجود ندارد که روندی که در انتخابات ۹۸ و ۱۴۰۰ در پیش گرفته شد در انتخابات آینده ادامه پیداکنند.

البته این نظر شخصی من است و نباید آن را به حساب جریان اصلاحات گذاشت. من هیچ روزنه‌ای برای برگزاری انتخابات رقابتی را مشاهده نمی‌کنم. جبهه اصلاحات هنوز وارد پروسه انتخابات مجلس نشده و در شرایط کنونی در حال گذار از هیأت رئیسی قدیمی به هیأت رئیسه جدید است.

به همین دلیل هنوز هیچ تصمیمی درباره حضور و یا عدم حضور و یا چگونگی حضور در انتخابات نرفته و آنچه در رسانه‌ها مطرح می‌شود بیشتر دیدگاه شخصی افراد و به نوعی گمانه‌زنی است. البته در این میان بیانیه آقای خامنه‌ی در ۱۵ بند وجود دارد که در این بیانیه هشدارهای لازم را داده‌اند. ایشان در این بیانیه به صراحت عنوان کردند که ادامه اصلاح‌طلبی به روش گذشته دیگر امکان‌پذیر نیست. همچنین عنوان کرده‌اند که دیگر اجازه نخواهند داد که اصلاح‌طلبان در قدرت حضور داشته باشند. این هشدارها و اظهارات به خوبی وضعیت آینده جریان اصلاحات و رویکردی که در پیش خواهد گرفت را نشان می‌دهد. به همین دلیل باید انتظارات خود را از جریان اصلاحات و مردم با واقعیت منطبق کنیم و در این راستا حرکت کنیم.

پس از انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم آقای روحانی به عقبه خود بی‌اعتنا شد، به آنها پشت کرد، به وعده‌هایی که به مردم داده بود عمل نکرد و خط‌مشی که در دور اول ریاست جمهوری داشت را کنار گذاشت. پس از این وضعیت شش ماه بیشتر طول نکشید که مردم اعتراض کردند. در این دوره‌های انتخاباتی یکی از عوامل اصلی انتخابات یعنی انتخاب‌کنندگان وجود داشتند و در صحنه بودند. در این مقطع زمانی عوامل زیادی از جمله گرانی، تورم و سوءمدیریتی که در کشور وجود داشت باعث شد که برخی با صندوق‌های رأی قهر کنند و به همین دلیل در انتخابات مجلس ۹۸ میزان مشارکت نسبت به گذشته کاهش داشت

این وضعیت تا پایان دولت آقای روحانی ادامه داشت. اتفاقی که در این مقطع زمانی رخ داد این بود که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی خود را از دست دادند. در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ که چهره‌های خاص اصلاح‌طلبان رد صلاحیت شده بودند مردم به دلایلی که عنوان کردم با صندوق‌های رأی قهر کردند و میزان مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری به پایین‌ترین حد خود در چهار دهه گذشته رسید. به نظر می‌رسد در شرایط کنونی نشانه‌هایی از رویکرد رفتار بخشی از جامعه و نشانه‌های موجود بیانگر این است که انتخابات آینده با همان میزان مشارکت دو انتخابات گذشته و شاید کمتر برگزار شود. در انتخابات ۹۸ و ۱۴۰۰ ما شاهد مشارکت پایین مردم نسبت به دوره‌های گذشته در انتخابات بودیم، اما این وضعیت تغییر کرده و امروز مطالبات مردم وسیع‌تر شده است.

پیام مردم این بود که اصلاح‌طلبان از تشمت و چنددستگی به شدت پرهیز کنند. اصلاح‌طلبان در انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲ این پیام را دریافت کردند و در حالی که آقای روحانی یک چهره اصلاح‌طلب نبود برای جلوگیری از تشمت از وی حمایت کردند و یا یک رویکرد واحد و منسجم در انتخابات به پیروزی دست پیدا کردند. این اتفاق در حالی رخ داد که کاندیدای حداقلی جریان اصلاحات نیز رد صلاحیت شده بود. با این وجود اصلاح‌طلبان برای اینکه دوران پرخطر و پر ضرر و ناکامی در صورت منسجم‌وارد انتخابات شدند و با حمایت از آقای روحانی از تکرار چنین وضعیتی جلوگیری کردند. این وضعیت تغییر کرد و چه عواملی در این تغییر نقش داشتند؟
پس از این مقطع زمانی آقای روحانی به عقبه خوبی اعتنا شد، به آنها پشت کرد، به وعده‌هایی که به مردم داده بود عمل نکرد و خط‌مشی که در دور اول ریاست جمهوری داشت را کنار گذاشت. پس از این وضعیت شش ماه بیشتر طول نکشید که مردم اعتراض کردند. در این دوره‌های انتخاباتی یکی از عوامل اصلی انتخابات یعنی انتخاب‌کنندگان وجود داشتند و در صحنه بودند.

در این مقطع زمانی عوامل زیادی از جمله گرانی، تورم و سو مدیریتی که در کشور وجود داشت باعث شد که برخی با صندوق‌های رأی قهر کنند و به همین دلیل در انتخابات مجلس ۹۸ میزان مشارکت نسبت به گذشته کاهش داشت.

در همین زمان بود که به دلیل گرانی قیمت بنزین در اعتراضاتی که صورت گرفت عده‌ای کشته شدند.

نگره

چرایی حمایت روسیه و چین

از امارات

هنوز دو ماه از اظهار نظر مدیربیمه‌های اجتماعی وزارت کار درباره فروش جزایر سه‌گانه برای پرداخت بدهی بانسنتگان نگذشته است که بیانیه پایانی نشست کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و روسیه، به شکل زندانه‌ای از مذاکره و حل سوء تفاهم‌ها با ایران سخن گفته اما در بندی دیگر، از تلاش‌های امارات برای ایجاد راه‌حل مسالمت‌آمیز برای مسئله جزایر سه‌گانه تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی از طریق گفت‌وگوهای دوجانبه و یا دادگاه عدل بین‌المللی بر اساس قوانین بین‌المللی و منشور سازمان ملل حمایت شده است. آذرماه سال ۱۴۰۱ بود که دولت چین هم طی بیانیه‌ای مشترک با کشورهای حاشیه خلیج فارس، خواستار حل مسالمت‌آمیز این مناقشه ساختگی از سوی دولت‌های خلیج فارس شده است. در بند ۱۲ بیانیه مشترک چین و سران کشورهای خلیج فارس آمده بود: «برهبران پیشنهادهای امارات برای رسیدن به راهکار، صلح‌آمیز برای مسأله سه جزیره تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی، از راه مذاکرات ۲جانبه بر مبنای قوانین بین‌المللی حمایت می‌کنند.» اما حالا روسیه به عنوان دومین قدرت شرقی که جزء دوستان ایران صورت‌بندی می‌شود، در اقدامی بی‌سابقه، با حضور در همان نشستی که سال قبل اعراب از چین برای حضور دعوت کرده بودند حاضر شد و از حق امارات بر جزایر سه‌گانه در خلیج فارس حمایت کرد.

واکنش‌ها

در واکنش به این موضع‌گیری روسیه، حسین امیرعبدالملیان، وزیر امور خارجه کشورمان در توییته نوشت: «بر سر استقلال، حاکمیت و تسلیم‌ارشی ایران، با هیچ‌طرفی تعارف نداریم.» در همین راستا علی بهادری جهرمی، سخنگوی دولت نیز در توییته با اشاره به موضوع جزایر سه‌گانه نوشت: «بر سر منافع ملی و خاک کشور با احدی تعارف نداریم.» بررسی این دو تویته نشان می‌دهد دو مقام عالی رتبه دولت در واکنش‌ها به اقدام روسیه علیه ایران و اعلام حق امارات بر جزایر سه‌گانه، حتی از نوشتن نام «روسیه» در تویته خود امتناع کردند. اگر چه در همان روز، وزارت خارجه ایران، سفیر روسیه را احضار و مراتب اعتراض ایران را به او اعلام کرد که سفیر روسیه در ایران بعد از احضار گفته بود، مراتب را در اسرع وقت به مسکو منتقل خواهد کرد.

این در حالی است که محسن رضایی و علی‌اکبر ولایتی که کمتر موضع انتقادی نسبت به روسیه داشته‌اند نیز لب‌به انتقاد گشودند. محسن رضایی در توییته نوشت: «روسیه، چین، آمریکا و انگلیس بدانند ایران به دوران قاجار و پهلوی بر نمی‌گردد. جمهوری اسلامی با تمام قدرت از سرزمین حقوق و ملت خود دفاع می‌کند. روسیه مواضع خود را اصلاح کند.» علی‌اکبر ولایتی که اکنون مشاور امور بین‌الملل مقام معظم رهبری است نیز در واکنش به بیانیه مشترک روسیه و شورای همکاری خلیج فارس تأکید کرد: «به دوستان روس خود می‌گویم که سادگی نکنند.»

تصویر واقعی چین و روسیه

موضع‌گیری‌های دو کشور چین و روسیه در به رسمیت شناختن حق اعراب بر جزایر سه‌گانه، در زمانی انجام می‌شود که سیاست خارجی دولت توجه کشورها، حتی اگر به ضرر ایران باشد، ایجاد اتحادهای راهبردی و ایجاد دیوارهای دیپلماتیک در برابر آمریکا است. تحلیل‌گران سیاسی معتقدند چین و روسیه تصور می‌کنند، هر اقدامی که انجام دهند، حتی اگر به ضرر ایران باشد، ایرانیه علت تحریم‌هایی می‌تواند کار زیادی انجام دهد و با یک بیانیه و اعتراض لفظی، مسئله‌تمام می‌شود. در واقعیت نیز وقتی چین این رفتار مشابه را انجام داد و مالکیت جزایر سه‌گانه را متعلق به ما ندانست، اقدام خاصی انجام ندادیم. چرا این کار را کردیم؟ چون ما در تحریم شدید قرار داریم و بیشترین صادرات نفت را به چین انجام می‌دهیم و اغلب واردت‌مان نیز از همین کشور است. روسیه نیز بیش از بحث تجاری در بعد تسلیحاتی با ایران همکاری دارد.» در همین راستا دکتر «محمدجواد ظریف، وزیر خارجه سابق ایران گفت: «برای ایران ضرروس و ضدامریکای بودن خطرناک است. زیرا باید متفک ملی‌مان را اولویت قرار دهیم.» وی همچنین گفت که امروز نباید منتظر ظهور قطب‌های جدید باشیم، بلکه هر قدرت بزرگ و موثری می‌تواند در بخشی خاص ظهور و بروز داشته باشد.» دولت در شرایطی تلاش می‌کند حافظ روابط تجاری و امنیتی خود با چین و روسیه را حفظ کند که اکنون مسئله تحریم‌های آمریکا علیه ایران به اهرم فشاری از سوی اعراب، روسیه و چین علیه ایران تبدیل شده‌است. اهرم فشاری که تا استانه دست گذاشتن بر تمامیت ارضی ایران پیش روی کرده و به نظر می‌رسد دولت با اتخاذ راهبرد سیاست همسایگی و تمایل به شرق، بدون از زیبایی زمین بازی بین الملل و روابط چین و روسیه با باز بزرگان خاورمیانه و امریکا، انعقاد قرارداد‌های ۲۵ساله با چین و روسیه را شرطی کافی برای همسویی این کشورها با ایران می‌داند. این در حالی است که پاسخ چرایی رفتار چین و روسیه با ایران را بایستی در ضعف ایران در تبادل تجاری با این دو کشور ارزیابی کرد. ضعفی که کارت‌های بازی ایران را محدود کرده و در برابر رفتار چین و روسیه و حمایت از حق اعراب بر جزایر ایرانی، ابتکار عمل برای واکنش سخت‌تر را از ایران گرفته‌است.